

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

فرستنده: عنایت و همن

۲۶ جولای ۲۰۱۴

با نابودی تمامی روحانیون، دنیا گلستان می شود!

روحانی انسانی است:

که کتابی در دست دارد، آن را مقدس خوانده و بر این باور است که تمامی علم و دانش و معرفت و درس های مورد نیاز زندگی انسان، به صورت یکجا در آن کتاب وجود دارد و آدمی هیچ نیازی به خواندن دیگر کتاب ها و کسب دیگر دانش ها ندارد.

روحانی از نَمَدِ دین برای خود کلاهی گرم و نَرم می دوزد و از راه بهشت فروشی و روضه خوانی و تشویق مردم به قبول شرایط سخت زندگانی شان در این دنیای فانی و وعده کاخ و زندگانی های آنچنانی به ایشان دادن دردنیای دیگر، خود در رفاه و آسودگی کامل به سر می برد و از دسترنج مردمان خورده و پروار گشته ولی به تبلیغ مزایای ساده زیستی و فقر و ناداری در جامعه می پردازد و ملتی را به گمراهی و نادانی می کشاند.



به راستی این انگل های ترسناک چه سودی برای مان دارند؟

روحانی به شست و شوی مغزی مردمان پرداخته و مهملات و چرندیات را به نام کلام خدای آسمانی و بی نقص در اذهان عمومی فرو می کند و جامعه را دعوت به قبول بی چون و چرای کلمه به کلمه جملات نگاشته شده در آن کتاب های، تاریخ مصرف گذشته می نماید و هر ذهن روشنی که با وی مخالف باشد را کافر و بی دین خوانده و وی را لعن می کند.

روحانی شخصی است که خود را عالم دهر و دانا به تمامی امور می داند و به تمامی مردمان به چشم حقارت نگاه کرده و خود را در جایگاه استاد، راهنما و همه چیزدان قرار داده و با خود بزرگ بینی وصف ناشدنی، هر صدای مخالف و معترضی را تکفیر کرده و شخص منتقد را ابله و کوتاه نظر و بی سواد می خواند. روحانی در یک جمله فردی است دروغگو، شیاد، نیرنگ باز و بی سواد که استاد بازی با کلمات می باشد و همواره دست به دامن و هیچ گاه توانائی حضور در یک گفت و گوی علمی، منطقی و مستند را نداشته و ندارد و همواره با توسل به چرب زبانی و زدن به صحرائی کربلا، از دادن یک پاسخ عقلانی فرار می کند.

آیا روحانیت شغل است؟

مارکس درباره روحانیون می گوید: "تا زمانی که جامعه شغل شرافتمندانه ای برای روحانیون پیدا نکند، این گروه مفت خور، سربار و انگل اجتماع انسان خواهد بود!" آیا به راستی چنین نیست؟ یک روحانی چه حرفه ای بلد است و از چه راهی نان می خورد؟ آیا بدون حضور روحانیون در جامعه، نبودشان احساس شده، کار مملکت خوابیده و چرخه اقتصادی از بین می رود؟

نویسنده، پژوهشگر و روشنفکر بزرگ تاریخ معاصر ایران زمین، زنده یاد احمد کسروی درباره روحانیت می نویسد:

"آخوندها دسته ای هستند در این کشور که مفت می خورند و تنها کاری که از دست شان بر می آید ایستادگی در برابر پیشرفت است؛ آن ها نه بافنده اند، نه ریسنده اند، نه سازنده اند، نه کارنده اند، نه دوزنده اند و نه می خرنند و نه می فروشند. در یک جمله هیچ کاره اند."



نادرشاه افشار آخوندهای آن زمان را محکوم به دو بار اعدام کرده بود، به نظرتان چه حکمی برای آخوندهای امروزی صادر می کرد؟

روحانی حرفه ئی به غیر از دروغگوئی، شیادی، فریب دادن مردمان و گدائی کار دیگری بلد نیست؛ این جماعت خرافاتی با افکار پوسیده شان، هر سال مردگان هزاران سال پیش را از قبر بیرون کشیده و برای در آوردن اشک مردم دوباره ایشان را کشته و روانه گورستان می کنند.

این طایفه بی هنر و بی علم جلوی هر گونه پیشرفت و ترقی ایستاده و مانع رسیدن مردمان به علم هستند و نان شان را از راه در جهل، خرافات و عقب ماندگی نگاه داشتن مردم در می آورند، به راستی جماعتی بی ذوق و بی مصرف تر از روحانیون، در تمام تاریخ به چشم نمی خورد.

روحانیون با استفاده از سرمایه های ملی یک کشور و دستبرد زدن به بیت المال و چاپیدن مردمان و خالی کردن جیب ملت، برای مردمان جهل و نادانی و خرافات به ارمغان می آورند و ویران کردن فرهنگی، هنری، اقتصادی، سیاسی، ورزشی و علمی یک مُلک، از جمله خدمات برجسته آنان به جامعه ای است که در آنان به دین فروشی مشغول اند.